

## جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در زیارت وارث

بنین فاطمه<sup>۱</sup>، زهرا قبله<sup>۲</sup>

### چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مهم اسلام و برعهده همه مسلمانان است. در مذهب شیعه این اوامر در فروع دین اسلام قرار دارند. امر به معروف یعنی، دعوت کردن دیگران به هرآنچه که از نظر شرع و عقل خوب است و نهی از منکر یعنی، منع کردن و جلوگیری از انجام دادن هرآنچه که از نظر شرع و عقل بد است. محدوده امتثال آن، همه قشر و گروه‌هاست و وجوبش برای همه از جمله عام و خاص و زن و مرد، ثابت است، البته وجوب آن با شرایطی ثابت می‌شود و مراحل مختلفی دارد. ارزش این دو اصل در قرآن و روایات به کثرت بیان شده است. خداوند در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند». اهل بیت علیهم‌السلام نیز در زندگی خود به اصلاح جامعه می‌پرداختند و روشی را انتخاب می‌کردند که بیشترین تأثیر را می‌گذاشت. برجسته‌ترین و جامع‌ترین نمونه آن، نهضت امام حسین علیه‌السلام است که زیارت وارث نیز به آن اشاره دارد. «ما بعد از هزاران سال روبه‌روی امام علیه‌السلام ایستاده، شهادت می‌دهیم که قیام شما برای امر به معروف و نهی از منکر بوده است». این مطلب، ارزش بالای این دو اصل در نهضت امام حسین علیه‌السلام را بیان می‌کند. روزی که امام علیه‌السلام از مدینه حرکت کرد در نامه به محمد حنفیه این‌طور گفت: «انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما، انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی، ارید ان آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر و اسیر بسیرة جدی و ابی؛ مردم دنیا بدانند که من يك آدم جاه‌طلب، مقام‌طلب، اخلاص‌گر، مفسد و ظالم نیستم. من چنین هدف‌هایی ندارم. قیام من قیام اصلاح‌طلبی است. قیام و خروج کردم برای اینکه می‌خواهم امت جد خودم را اصلاح کنم. من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر بکنم».

**واژگان کلیدی:** امر به معروف، نهی از منکر، نهضت حسینی علیه‌السلام.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی فقه و اصول، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. دکتری فقه‌مقارن، مربی و مدیر گروه علمی تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

## ۱. مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات عملی فردی و اجتماعی است که در مذهب شیعه، مورد هفتم و هشتم از فروع دین نیز قرار دارد. کسی که امر به معروف و نهی از منکر انجام می دهد مثل کسی هست که می خواهد به ساحل برسد و نمی خواهد در آب غرق شود. نه فقط خودش احتیاط می کند، بلکه نمی گذارد یک نفر هم از سواران، کشتی را سوراخ کند. مؤمنی رستگار واقعی می شود که هم خودش پای بند به واجبات و محرمات باشد هم به دیگران امر به معروف و نهی از منکر کند. برای همین است که این واجب در دین اسلام جایگاه بالایی دارد. کسی که قصد شناخت جایگاه اصلی این دو امر را دارد باید به جایی نگاه کند که این اوامر به طور احسن به جا آورده شده اند. نهضت حسینی علیه السلام کامل ترین و جامع ترین مثال برای امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین علیه السلام با هدف قرار دادن امر به معروف و نهی از منکر در قیام خود، هم ارزش آنها را بالا برد و هم ضرورت و ارزش قیام خود را روشن کرد. در زیارت وارث نیز به این مطلب اشاره شده است.

زیارت وارث در کتاب المزار شیخ مفید و کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی و در منابع معتبر دیگر آمده است. شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجد از صفوان جمال نقل کرده است: «از امام صادق علیه السلام برای زیارت مولایمان حسین علیه السلام اجازه خواستم و استدعا نمودم برای من جهت زیارت آن حضرت دستورالعملی ذکر کند که به آن صورت به زیارت اقدام کنم، فرمود: ای صفوان، پیش از حرکت به سفر، سه روز روزه بدار و روز سوم غسل کن، پس اهل و عیال خود را نزد خویش جمع کن و چنین بگو "اللهم انی استودعک" تا آخر دعا. آن گاه دعایی تعلیم او فرمود که وقتی به فرات برسد، بگوید، سپس فرمود: با آب فرات غسل کن. به درستی که پدرم مرا از پدران علیه السلام خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این همانا این فرزند من حسین، پس از من درکنار فرات کشته خواهد شد، هر که او را زیارت کند و از فرات غسل نماید گناهان او بریزد و مانند روزی شود که مادر او را به دنیا آورده است» (طوسی، ۱۴۱۱، ۲/۷۲۰).

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر در لغت

امر در لغت به معنای دستور مقام بالا به پایین‌تر از خود و معروف به معنای شناخته شده و پسندیده است. نهی به معنای بازداشتن و منکر به معنای ناشناخته و ناپسند است. بنابراین، امر، ضد نهی و معروف، ضد منکر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵/۲۳۳)

### ۲-۲. امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح

معروف در اصطلاح عبارت است از: هر فعل و قولی که از نظر عقل یا شرع پسندیده است و منکر ضد آن است؛ یعنی هر کار و سخنی که مورد انکار عقل و شرع است. امر به معروف یعنی، دعوت کردن دیگران به هرآنچه که از نظر شرع و عقل خوب است. نهی از منکر یعنی، منع کردن و جلوگیری کردن از انجام دادن هرآنچه که از نظر شرع و عقل بد است. در احکام دین، معروف به واجبات و مستحبات و منکر به محرمات و مکروهات گفته می‌شود. بنابراین، در احکام دین، امر به معروف دعوت به واجبات و مستحبات و نهی از منکر، منع و جلوگیری از محرمات و مکروهات است. (صانعی، ۱۳۸۷، ص ۱۴) امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مهم اسلام و برعهده همه مسلمانان است. در مذهب شیعه، این اوامر در فروع دین اسلام قرار دارند.

### ۳. محدوده امر به معروف و نهی از منکر

محدوده امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف که شرایط دارند را شامل می‌شود. بر زن و فرزند واجب است هنگامی که ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر، مادر یا شوهر را می‌بینند در صورت تحقق شرایط، به امر به معروف و نهی از منکر مبادرت کنند. امر به معروف و نهی از منکر مربوط به جایی است که شخصی با علم به حکم شرعی و با التفات، تخلف کند، اما نسبت به کسانی که به دلیل جهل به حکم شرعی مرتکب گناه می‌شوند ارشاد و راهنمایی لازم است و امر و نهی واجب نیست. همچنین نسبت به کسانی که به دلیل غفلت

یا جهل به موضوع، مرتکب گناه می‌شوند تکلیفی نیست مگر اینکه موضوع از امور بسیار مهم نزد شارع باشد که در این موارد باید شخص را متوجه حکم یا موضوع کرد.

#### ۴. شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

##### ۴-۱. علم به معروف و منکر

امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد وگرنه موظف نیست که امر به معروف و نهی از منکر کند. اگر عامل از روی اجتهاد یا تقلید عملی را حرام یا واجب نمی‌داند امر و نهی او واجب و حتی جایز نیست، هرچند نزد آمر (براساس اجتهاد یا تقلید) عمل عامل، ترک واجب یا انجام حرام محسوب شود.

##### ۴-۲. احتمال تأثیر

اگر آمر یا ناهی احتمال دهد که امر و نهی او هرچند در آینده، اثر و نتیجه دارد، واجب است امر و نهی کند، هرچند گمان قوی بر عدم تأثیر داشته باشد. اگر امر به معروف و نهی از منکر توسط آمر به تنهایی احتمال اثر ندارد، ولی با هماهنگی و کمک گرفتن از دیگران احتمال اثر وجود دارد و هماهنگی و کمک گرفتن از دیگران برای انجام این واجب مهم لازم است.

##### ۴-۳. اصرار بر گناه

شخص گناهکار بر استمرار گناه اصرار داشته باشد و اگر معلوم باشد یا حتی احتمال داده شود که بدون امر و نهی از خطا دست برمی‌دارد؛ یعنی معروف را به جا می‌آورد و منکر را ترک می‌کند، امر و نهی او واجب نیست.

##### ۴-۴. نداشتن مفسده

امر و نهی، مفسده نداشته باشد. بنابراین، اگر احتمال عقلایی داده شود که در اثر امر و نهی به آمر و ناهی یا به مسلمان دیگر مفسده‌ای مانند ضرر جانی، آبرویی یا مالی برسد یا به حرج می‌افتند امر و نهی واجب نیست، بلکه در مواردی جایز نیست. اگر معروف یا منکر از اموری باشد که برای شارع

مقدس اهمیت زیاد دارد مثل حفظ جان گروهی از مردم یا حفظ اسلام و مانند اینها باید اهمیت لحاظ شود؛ یعنی صرف ضرر و حرج در این گونه موارد، مانع وجوب امر و نهی نیست. بنابراین، اگر برای مثال، اقامه حجت‌های الهی برای دفع گمراهی و ضلالت، متوقف بر بذل جان یک نفر یا بیشتر باشد وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود.

نکته: امر به معروف و نهی از منکر در صورتی واجب است که شرایط چهارگانه موجود باشد. بنابراین، اگر امر و نهی یکی از شرایط را نداشته باشد و برای مثال، مفسده داشته باشد امر و نهی واجب نیست، هر چند شرایط دیگر را داشته باشد.

## ۵. مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

### ۵-۱. امر و نهی قلبی

مقصود از امر و نهی قلبی، اظهار کراهت قلبی است؛ یعنی مکلف باید تنفر و انزجار درونی خود را نسبت به انجام منکر و ترک معروف آشکار کند.

### ۵-۲. امر و نهی زبانی

مکلف باید تارک معروف یا عامل منکر را با زبان، امر و نهی کند. در این مرتبه اگر احتمال دهد با موعظه، نصیحت و گفتار ملایم اثر حاصل می‌شود باید به همین مقدار اکتفا کند و تجاوز از آن جایز نیست هم‌چنان که اگر ترک منکر یا اقامه معروف، متوقف بر گفتار شدید و غلیظ یا تهدید باشد باید براساس آن عمل کند.

### ۵-۳. امر و نهی عملی

مقصود از این مرتبه این است که مکلف باید با اعمال قدرت و رفتار عملی، متخلف را از انجام منکر و ترک معروف بازدارد. باید توجه داشت که در زمان برپایی حکومت اسلامی، امر و نهی عملی وظیفه حکومت است نه افراد.

ملاحظه: هنگام امر و نهی، ترتیب مراحل باید رعایت شود؛ یعنی تا زمانی که مرتبه اول مؤثر است به کار بردن مراتب بعدی جایز نیست. برای مثال، امر و نهی زبانی مراتب دارد. اگر در سخن نرم احتمال اثر باشد، جایز نیست که امر و ناهی با سخن تند و خشن امر به معروف و نهی از منکر کند.

#### ۶. امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

در کلام الهی به انجام امر به معروف و نهی از منکر دستور داده شده است و وظیفه مسلمانان است که گروهی از آنها باید به جا بیاورند تا از بقیه ساقط شود: «و لتكن منكم أمة يدعون إلى الخير و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر؛ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند» (آل عمران: ۱۰۴). در برخی از آیات، خداوند درکنار نماز به انجام آنها نیز دستور می دهد. درحقیقت، بقای نماز به انجام امر به معروف و نهی از منکر منوط است. اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد نماز حقیقت خودش را از دست می دهد چه بسا مسلمانان بر انکار آن بریبایند مثل زمان امام حسین علیه السلام که یزید می خواست همین کار را بکند: «یا بنی أقم الصلاة و أمر بالمعروف و انه عن المنكر؛ پسر من نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» (لقمان: ۱۷)؛ «الذین إن مکنهم فی الأرض أقاموا الصلاة و آتوا الزکاة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنكر؛ همان کسانی که در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند» (حج: ۴۱).

امر به معروف و نهی از منکر یکی از نشانه های ایمان به خدا و روز قیامت است؛ زیرا وقتی خدا درباره افراد باایمان سخن می گوید، چه زن باشد چه مرد، یکی از خصوصیات آنها این است که امر به معروف و نهی از منکر می کنند. افراد باایمان، اسلام را فقط در زندگی خود اجرا نمی کنند، بلکه اگر ببینند در جامعه، منکری رایج می شود یا معروفی فراموش می شود به اصلاح آن می پردازند: «یؤمنون بالله و الیوم الآخر و یأمرن بالمعروف و ینهون عن المنكر؛ به خدا و روز دیگر ایمان می آورند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند» (آل عمران: ۱۱۴)؛ «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرن بالمعروف و ینهون عن المنكر و یقیمون الصلاة؛ و مردان و زنان باایمان، ولی و

یار و یاور) یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند» (توبه: ۷۱). امتی بهترین امت است که به فکر اصلاح جامعه باشد؛ زیرا وقتی خدا از مسلمانان به «خیر امة» یاد می‌کند دلیلش را هم بیان می‌کند: «شما بهترین امت هستید. چرا؟ چون امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهید»، پس اگر مسلمانان اینها را رها کردند مسلمان واقعی نیستند، ولی اگر انجام بدهند خداوند آنها را بشارت می‌دهد و باید منتظر پاداش رحمان بشوند. «کنتم خیر امة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران: ۱۱۰)؛ «یأمرهم بالمعروف و ينہاهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات؛ آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد و اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد» (اعراف: ۱۵۷)؛ «الأمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین؛ آمران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر و حافظان حدود و مرزهای الهی، مؤمنان حقیقی‌اند و بشارت ده به اینچنین مؤمنان» (توبه: ۱۱۲).

## ۷. امر به معروف و نهی از منکر در روایات

علاوه بر آیات قرآنی، روایات زیادی از معصومین علیهم‌السلام نیز اهمیت و ضرورت امر به معروف را بیان کرده‌اند. کسانی که امر به معروف و نهی از منکر هستند جانشین خدا و پیامبر هستند: «عن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ من امر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفة الله فی أرضه و خلیفة رسول الله؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا و پیامبر در روی زمین است» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۴۸۴/۱؛ ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران). هدف اصلی انبیا اصلاح جامعه بود و کسی که برای اصلاح جامعه قدم برمی‌دارد به انبیا کمک کرده است. در روز رستاخیز برخی افراد با اینکه نه نبی هستند نه شهید، ولی مقام بالایی به آنها عطا می‌شود: «عن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ من امر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفة الله فی أرضه و خلیفة رسول الله؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا و پیامبر در روی زمین است» (طبرسی،

۱۴۱۲، ۴۸۴/۱؛ ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران)؛ «مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و درحالی که حضرت بر فراز منبر بود، پرسید: «من خیرالناس؛ بهترین مردم کیست». پیامبر ﷺ فرمود: «آمرهم بالمعروف و أنهاهم عن المنکر و اتقاهم لله؛ آن کس که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند و آن کس که از همه پرهیزگارتر باشد» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۴۸۴/۱، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران). اساس و بقای همه واجبات بر امر به معروف و نهی از منکر است؛ این چنین، جامعه به امنیت رسیده و از ظلم نجات می‌یابد: «عن الباقر علیه السلام: ان الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الأرض؛ امام باقر علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی هستند که سایر واجبات با آنها برپا می‌مانند و به وسیله این دو، راه‌ها امن و کسب و کار مردم حلال می‌شود. با این دو واجب است که داد ستم‌دیدگان ستانده و زمین آباد می‌شود» (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۹۵/۱۱).

برای همین، از میان همه کارهای نیک، امر به معروف و نهی از منکر در بالاترین درجه قرار می‌گیرد، حتی جهاد هم در برابر آن مانند آب دهانی در مقابل دریاست: «عن أمير المؤمنين عليه السلام: و ما أعمال البر كلها و الجهاد في سبيل الله، عند الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، إلا كنفة في بحر لجي؛ امام علی علیه السلام فرمود: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور» (دشتی، ۱۳۹۷).

#### ۸. امر به معروف و نهی از منکر در سیره اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت علیهم السلام از بچگی تا آخر عمر، دیگران را به کارهای خوب دعوت و از کارهای بد منع می‌کردند. آنها هر جا که نیاز بود و به هر صورت ممکن برای اصلاح انسان‌ها تلاش می‌کردند: «امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام که هنوز روزهای کودکی را سپری می‌کردند پیرمردی را در مسجد دیدند که اشتباه وضو می‌گرفت. امامان ما چون کوچک بودند به صورت بازی و مسابقه پیر مرد را متوجه اشتباهش کردند. به پیرمرد گفتند ما دوتا برادر می‌خواهیم وضو بگیریم شما که بزرگ‌تر هستید نگاه کنید و بگویید وضوی کی درست است. پیرمرد که می‌دانست آنها نوه پیامبر ﷺ هستند و اشتباه



نمی‌کنند به اشتباه خودش پی برد و وضوی خود را صحیح کرد» (مجلسی، ۳۱۹/۴۳). اهل بیت علیهم‌السلام نهایت تلاش خود را می‌کردند تا به طور احسن امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند و بیشترین تأثیر را بگذارند.

یکی از نمونه‌ها داستان سمره بن جندب است که در آن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مراحل را رعایت فرموده و از ملایمت و مرحله نخستین امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرده است تا آخرین مرحله لازم. داستان سمره که زواره از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است چنین است: «سمره بن جندب مالک باغی بود که آن را به یکی از انصار فروخت و از آن یک درخت نخل را که در میان باغ بود، استثنا کرد و گفت: این درخت برای من باقی بماند. آن انصاری نیز موافقت کرد و بدون اینکه بداند بعدها چه اتفاقی خواهد افتاد باغ را خرید. از آنجا که سمره دل بیماری داشت برای تجسس در حریم خصوصی انصاری بدون اجازه و به بهانه نخلش وارد باغ آن انصاری می‌شد که خودش و همسر و خانواده‌اش در آن زندگی می‌کردند. مرد انصاری از او خواست که به هنگام وارد شدن به باغ اجازه بگیرد و یا الله بگویند یا در بزند و کاری از این قبیل بکند، اما سمره نپذیرفت و گفت: این نخل مال من است و راه هم راه من است و دلیلی برای اجازه گرفتن وجود ندارد. انصاری هرچه از او خواهش کرد او زیر بار نرفت تا اینکه مرد انصاری نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفت و از دست سمره شکایت کرد و از ایشان برای این مشکل راه حل خواست. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سمره را طلبید و از او خواست که در هنگام ورود به باغ اجازه بگیرد، اما او این خواسته را رد کرد و گفت: نخل مال من است و من اختیار آن را دارم، پس هرگونه که بخواهم وارد باغ می‌شوم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: این درخت را در برابر درختی در بهشت به من بفروش. او گفت: نمی‌فروشم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: در برابر ده درخت. گفت: نه و همین طور پافشاری می‌کرد به گونه‌ای که نشان می‌داد غرضی از این کار دارد. در اینجا معروف است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به انصاری چنین گفت: برو و نخل را از ریشه بکن و به صورت سمره پرتاب کن؛ زیرا "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام؛ ضرر و زیان در اسلام راه ندارد". و به سمره گفت: تو مرد مضری هستی که می‌خواهی به دیگران زیان برسانی. هدف خرما گرفتن از نخل نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ۲۹۴/۵).

در این داستان مشخص است که چگونه پیامبر ﷺ با ملایمت و مدارا سمره را وادار می‌کند تا از راه لجاجت برگردد و به راه درست و به‌سوی تربیت رهنمون شود، اما متأسفانه سمره این لیاقت را نداشت. سیره پیامبر ﷺ در چنین مواردی چنین بود که در جایی اعمال زور و در جای دیگر نرمش و ملاطفت کند. هرکدام را در جای خود به‌کار می‌برد تا هم خود آن شخص تربیت شود و هم مانع تربیت دیگران نشود. اهل بیت علیهم‌السلام حتی با دشمنان هم صحبت می‌کردند. در جنگ با کسانی که برای قتل آنها آمده بودند، حرف می‌زدند تا به‌راه راست بیایند. «مقداد می‌گوید: من در جنگ حکم‌بن کیسان را اسیر گرفتم. فرمانده می‌خواست او را بکشد. با پیشنهاد من او را پیش پیامبر ﷺ بردیم. پیامبر ﷺ او را به اسلام دعوت کرد، ولی حکم سخن رسول را نپذیرفت. یکی از حاضرین به پیامبر ﷺ گفت: چرا با این حرف می‌زنی. این مرد ابدًا اسلام نمی‌آورد و می‌خواست او را بکشد، ولی پیامبر ﷺ اجازه نداد و سخن‌هایشان را ادامه داد تا او اسلام آورد، پس رسول ﷺ به اصحاب گفت: اگر سخن شما را می‌پذیرفتم او داخل آتش می‌شد. بعدها حکم‌بن کیسان بسیار نیکو و وفادار به اسلام گروید و سرانجام شهید شد» (کاهلوندی، ۱۴۱۰، ۴۱/۱). اهل بیت علیهم‌السلام حتی به دیگران اجازه می‌دادند تا به آنها اعتراض کنند و نظر خود را بیان کنند مانند اعتراض اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به آن حضرت. اصحاب اصرار داشتند که حضرت از بیت‌المال بذل فراوان کند تا افراد از پیوستن به معاویه خودداری کنند، ولی امام علی علیه‌السلام بدون هیچ ناراحتی مسئله را برایشان توضیح داد (مجلسی، ۱۳۶۲، ۴۱/۱۷۶).

## ۹. شأن امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی علیهم‌السلام

این دو اصل در نهضت حسینی چه جایگاهی دارند. «روزی که امام حسین علیهم‌السلام از مدینه حرکت کرد برای برادرش، محمد بن حنفیه، وصیت‌نامه نوشت و گفت: «انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما، انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی، ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی؛ مردم دنیا بدانند که من یک‌آدم جاه‌طلب، مقام‌طلب، اخلاص‌گر، مفسد و ظالم نیستم، من چنین هدف‌هایی ندارم. قیام من، قیام اصلاح‌طلبی است. قیام کردم، خروج کردم برای

اینکه می‌خواهم امت جد خودم را اصلاح کنم. من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر بکنم» (حسینی حائری، ۱۴۱۸، ۱۶۰/۲). بنابر قول امام حسین علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر اصل‌هایی بودند که امام علیه السلام را وادار کرد با همه خانواده‌اش، حتی کودکان، مدینه‌النبی وداع کند و برای قیامی برود که باعث شد خودش، خانواده‌اش و دوستانش شهید شوند و زنانشان اسیر. این خود بیانگر اهمیت و ضرورت این دو اصل است. شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی رابطه امر به معروف و نهی از منکر و نهضت حسینی را بسیار زیبا بیان می‌کند: «عنصر امر به معروف و نهی از منکر به نهضت حسینی ارزش داد، اما حسین هم به امر به معروف و نهی از منکر ارزش داد. امر به معروف و نهی از منکر، نهضت حسینی را بالا برد، ولی حسین علیه السلام این اصل را به نحوی اجرا کرد که شأن این اصل بالا رفت. يك تاج افتخار به سر اصل امر به معروف و نهی از منکر نهاد» (مطهری، ۱۳۹۵، ۱۴۰/۱).

#### ۱۰. امر به معروف و نهی از منکر در زیارت وارث

در زیارت وارث آمده است: «أشهد أنك قد أقمت الصلاة و آتيت الزكاة و أمرت بالمعروف و نهيت عن المنكر و أطعت الله و رسوله حتى أتاك اليقين؛ من گواهی می‌دهم شما نماز را به پا داشتید، زکات را ادا کردید، امر به معروف و نهی از منکر انجام دادید». ممکن است تاکنون این فکر به ذهن خطور نکرده باشد که این اصل‌ها چیست که امام حسین علیه السلام به خاطر آنها نهضت به این عظمتی را راه انداخت که در تاریخ نظیر ندارد.

#### ۱۰-۱. مفهوم شهادت

شهادت در لغت به معنای حاضر شدن، مشاهده کردن و خبر دادن است. در اصطلاح شهادت یعنی، گواهی دادن یک شخص به چیزی از روی علم و یقین.

#### ۱۰-۲. محل شهادت

گاهی شهادت برای تفهیم و اثبات مدعاست؛ یعنی شاهد برای مثال، نزد قاضی گواهی می‌دهد که این مدعا درست است و «من شاهد بر این هستم». گاهی هم شهادت برای تفهیم شنونده است بر اینکه «من این مطلب را فهمیده‌ام و قبول دارم». این شهادت نوعی اقرار است توسط شاهد.

### ۱۰-۳. معنی شهادت در زیارت وارث

در زیارت وارث، وقتی گفته می‌شود «من گواهی می‌دهم شما نماز را به پا داشتید، زکات را ادا کردید، امر به معروف و نهی از منکر انجام دادید»؛ یعنی اینکه «می‌خواهم نزد شما که آقا و مولای من هستید، اقرار کنم که منم مثل جان‌نثاران شما، هدف قیام شما را فهمیده‌ام و می‌دانم که قربانی‌های شما به خاطر نجات اسلام و مسلمانان بوده، پس منم راه شما را ادامه می‌دهم و هرجایی که ببینم اسلام داره فراموش می‌شه با امر به معروف و نهی از منکر به کمک آن درمی‌آیم».

### ۱۰-۴. علت آوردن شهادت در زیارت وارث

علت بیان این مطلب در زیارت وارث، نشان دادن اهمیت امر به معروف و نهی از منکر برای همه است؛ زیرا زیارت‌نامه متنی است که آن را کم و بیش همه افراد از اعم و خاص، مرد و زن، بزرگ و کوچک می‌خوانند و این نشانگر ارزش این دو اصل است.

### ۱۱. بررسی نهضت امام حسین علیه السلام

نهضت امام حسین علیه السلام نهضتی انفجاری و از روی ناآگاهی نبود، بلکه نهضتی سنجیده و حساب‌شده بود. این نهضت از بعد از مرگ معاویه شروع نمی‌شود، بلکه در زمان معاویه هم نامه‌هایی با معاویه مبادله شده و سخنرانی‌های مختلف ایراد شده است. نهضت امام علیه السلام نهضت چندماهیتی بود؛ یعنی از یک طرف حرکت آغازگری بود و از طرف دیگر، عکس‌العمل یک جریان بود. این عکس‌العمل درمقابل یک جریان منفی بود و همین نهضت درمقابل جریان دیگر، عکس‌العمل مثبت داشت.

### ۱۲. عوامل نهضت امام حسین علیه السلام و ارزش آنها

#### ۱۲-۱. عامل تقاضای بیعت

یکی از عوامل که از نظر زمان، اولین عامل است تقاضای بیعت از امام حسین علیه السلام توسط یزید است. وقتی معاویه مرد، یزید از امام علیه السلام تقاضای بیعت کرد و امام علیه السلام امتناع کرد و فرمود: «من حاضرم

کشته بشوم، ولی حاضر نیستم بیعت کنم»؛ زیرا بیعت کردن یعنی، امضا کردن خلافت یزید که بعدها برای بنی امیه دلیل می شد تا کارهای خودشان را بین مردم صحیح جلوه دهند.

#### ۱۲-۲. عامل دعوت مردم کوفه

بعد از مرگ معاویه، مردم کوفه دست به یکی شده و امام حسین علیه السلام را به کوفه دعوت کردند. مردم کوفه بیست سال قبل، پنج سال، لذت حکومت امام علی علیه السلام را چشیده اند و هنوز آثار و تربیت امام علی علیه السلام را یاد دارند، پس، امام علیه السلام از طرف مردمی دعوت شد که مدعی بود از دل و جان آماده هستند تا خلافت را به کسی که سزاوارتر است برساند. حدود هجده هزار نامه به امام حسین علیه السلام می رسد که برخی از نامه ها را چند نفر و برخی از آنها را صد نفر امضا کرده بودند؛ یعنی در مجموع شاید صد هزار نفر به ایشان نامه نوشتند.

#### ۱۲-۳. عامل امر به معروف و نهی از منکر

عامل سوم یعنی، امام حسین علیه السلام برای امر به معروف و نهی از منکر حرکت کرد. همان روز اول که امام علیه السلام از مدینه حرکت کرد همین عامل را بیان کرد نه عوامل قبلی را. از نظر این عامل، امام علیه السلام نقش تهاجم را دارد و آغازگر جریان می شود.

#### ۱۳. امر به معروف و نهی از منکر، بارزش ترین عامل

از نظر بیعت، اگر امام علیه السلام فقط بیعت نمی کردند به وظیفه خود عمل کرده بود. بنابراین، اگر به پیشنهاد ابن عباس عمل می کرد و به کوهستان های یمن می رفت، دست یزید به آنها نمی رسید و وظیفه اش هم به جا آورده می شد. از نظر دعوت مردم کوفه وظیفه امام علیه السلام این بود که به چنین دعوتی به ظاهر عظیم جواب مثبت دهد اگرچه امام علیه السلام می دانست که مردم کوفه وفاداری نمی کنند، ولی جواب مثبت داد تا برای همه مردم حجت تمام شود و کسی نگوید که چرا امام علیه السلام دعوت کوفیان را نپذیرفت. دعوت کوفیان حدود ۴۰ روز بعد از آغاز سفر امام علیه السلام بود؛ یعنی امام حسین علیه السلام روز بیست و هفتم رجب از مدینه حرکت کرد و سوم شعبان به مکه رسید در حالی که نامه های کوفیان، پانزدهم رمضان به دست امام حسین علیه السلام رسید. همچنین اگر این نهضت فقط

برای دعوت مردم کوفه بود، پس وقتی مردم کوفه زیر قولشان زدند و فرستاده امام علیه السلام را تنها گذاشتند امام علیه السلام هم دیگر وظیفه‌ای درمقابل آنها نداشت، ولی امام حسین علیه السلام کار خود را ادامه داد، بلکه داغ‌ترین و شورانگیزترین سخنرانی‌های خود را بعد از شکست کوفه ایراد کرد. باوجود این همه، هردو عامل ارزش خودش را دارند، ولی عاملی که بیشترین ارزش را دارد امر به معروف و نهی از منکر است.

روزی که امام علیه السلام از مدینه حرکت کرد در نامه به محمد حنفیه نوشت: «انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما، انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی، ارید ان آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر و اسیر بسيرة جدی و ابی؛ مردم دنیا بدانند که من يك آدم جاه طلب، مقام طلب، اخلال گر، مفسد و ظالم نیستم. من چنین هدف‌هایی ندارم. قیام من قیام اصلاح طلبی است. قیام و خروج کردم برای اینکه می‌خواهم امت جد خودم را اصلاح کنم. من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر بکنم». در نامه، امام علیه السلام نه حرفی از تقاضای بیعت می‌زند نه از دعوت کوفیان، بلکه هدفی که بیان می‌کند اصلاح امت است. (حسینی حائری، ۱۴۱۸، ۱۶۰/۲)

#### ۱۴. اسلام مجسم بودن نهضت حسینی علیه السلام

برای نظر به جامعیت اسلام باید نگاهی به نهضت حسینی کرد. امام حسین علیه السلام کلیات اسلام را در کربلا به مرحله عمل آورده و مجسم کرده است، ولی تجسم زنده و جاندار حقیقی و واقعی نه تجسم بی‌روح. انسان با تأمل در حادثه کربلا اموری را می‌بیند که دچار حیرت می‌شود و می‌گوید اینها نمی‌تواند تصادفی باشد. سر اینکه ائمه اطهار این همه به زنده نگه داشتن و احیای این خاطره توصیه و تأکید کرده و نگذاشته‌اند حادثه کربلا فراموش شود این است که این حادثه يك اسلام مجسم است؛ «نگذارید این اسلام مجسم فراموش شود. ما در حادثه کربلا به جریان عجیبی برخورد می‌کنیم و آن اینکه می‌بینیم در این حادثه، مرد نقش دارد، زن نقش دارد، پیر و جوان و کودک نقش دارند، سفید و سیاه نقش دارند، عرب و غیرعرب نقش دارند، طبقات و جنبه‌های مختلف نقش دارند».

## ۱۵. جنبه توحیدی و عرفانی حادثه کربلا

برای نشان دادن جنبه توحیدی و عرفانی، جنبه پاك باختگی در راه خدا و ماسوای خدا را هیچ انگاشتن، شاید همان دو جمله اباعبدالله در اولین خطبه‌هایی که انشا فرمود یعنی، خطبه‌ای که در مکه ایراد کرد، کافی باشد. سخنش این بود: «رضی الله والله رضانا اهل البیت؛ ما اهل بیت از خودمان پسند نداریم. ما آنچه را می‌پسندیم که خدا برای ما پسندیده باشد. هر راهی را که خدا برای ما معین کرده است ما همان راه را می‌پسندیم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۶۶/۴۴). امام باقر علیه السلام به عیادت جابر می‌رود و احوال او را می‌پرسد. امام باقر علیه السلام جوان است و جابر از اصحاب پیغمبر و پیرمرد است. جابر عرض می‌کند: «یابن رسول الله! درحالی هستم که فقر را بر غنا، بیماری را بر سلامت و مردن را بر زنده ماندن ترجیح می‌دهم. امام علیه السلام فرمود: ما اهل بیت این طور نیستیم. ما از خودمان پسندی نداریم. ما هرطوری که خدا مصلحت بداند همان برایمان خوب است».

در آخرین جمله‌های اباعبدالله باز انعکاس همین مفاهیم هست. به تعبیر مرحوم آیتی، استنتاج خیلی لطیفی است. این جنگ با يك تیر آغاز شد و با يك تیر پایان پذیرفت. در روز عاشورا اولین تیر را عمر سعد پرتاب کرد و بعد گفت: «به امیر خبر بدهید که اولین تیرانداز که به طرف حسین تیر پرتاب کرد من بودم». بعد از آن بود که جنگ شروع شد. با يك تیر هم جنگ خاتمه یافت. «اباعبدالله سوار اسب بود و خیلی خسته و جراحات زیاد برداشته بود و تقریباً توانایی‌هایش روبه پایان بود. تیری می‌آید و بر سینه حضرت می‌نشیند و اباعبدالله از روی اسب به روی زمین می‌افتد و در همان حال می‌فرماید: "رضا بقضائك و تسليما لامرك، لا معبود سواك، یا غياث المستغيثين". شما ببینید شب عاشورای حسینی به چه حالی می‌گذرد. این شب را اباعبدالله چقدر برای خودش نگه داشت، برای استغفار، برای دعا، برای مناجات، برای راز و نیاز با پروردگار خودش. نماز روز عاشورا را ببینید که در جنبه‌های توحیدی و عبودیت و ربوبیت و جنبه‌های عرفانی، مطلب چقدر اوج می‌گیرد».

برخی از اصحاب و همه اهل بیت و خود اباعبدالله بعد از ظهر عاشورا شهید شدند. مردی به نام ابوالصائدی می‌آید خدمت امام حسین علیه السلام عرض می‌کند: «یا بن رسول الله! وقت نماز است. ما آرزو داریم آخرین نمازمان را با شما به جماعت بخوانیم». ببینید در آن نماز بود که تیر مثل باران می‌آمد، ولی حسین و اصحابش غرق در حالت خودشان بودند: «الله اکبر، بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین». چه نماز شکوفایی خواند حسین بن علی در آن روز؛ نمازی که دنیا نظیر آن را سراغ ندارد. صورت مقدسش را روی خاك داغ می‌گذارد و می‌گفت: «بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله». نهضت حسینی، نهضتی است عرفانی و خالص لله. فقط و فقط حسین است و خدای خودش، گویی چیز دیگری در کار نیست.

#### ۱۶. جنبه حماسه و پرخاشگری

از يك زاویه دیگر، مرد پرخاشگری در مقابل دستگاه جبار قیام کرد و نمی‌شد او را تسلیم کرد. گویی از دهانش آتش می‌بارید و همواره دم از عزت و شرافت و آزادی می‌زد: «لا و الله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل ولا افر فرار العبید؛ من هرگز دست ذلت به شما نمی‌دهم و مانند بردگان فرار نمی‌کنم، محال است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۱/۴۴)؛ «هیهات منا الذلة»؛ «الموت خیر من رکوب العار» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۲/۴۴)؛ «لا اری الموت الاسعادة والحيوة مع الظالمین الا برما» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۲/۴۴). هریک را در يك جا گفته است. اینها را که انسان نگاه می‌کند، می‌بیند حماسه است و شجاعت و به تعبیر اعراب «ابا» یعنی، عصیان و امتناع و زیربار نرفتن. عرب آن مردمی را که حاضر نیستند زیر بار ظلم و زور بروند، ابات می‌گویند؛ یعنی مردمی که به هیچ وجه زیر بار زور نمی‌روند. ابن ابی الحديد يك عالم سنی می‌گوید: «حسین بن علی علیه السلام سید ابات است؛ سالار کسانی که زیر بار زور نرفتند، حسین بن علی است». از این دید، همه‌اش حماسه، پرخاشگری و اعتراض و انتقاد است.



## ۱۷. جنبه وعظ و اندرزگویی

از دید دیگر يك مقام دیگر دیده می شود. از زاویه ای دیگر، امام حسین علیه السلام يك خيرخواه، يك واعظ، يك اندرزگوست که حتی از سرنوشت شوم دشمنان خودش ناراحت است که اینها چرا باید به جهنم بروند. در اینجا آن تحرك حماسه جای خودش را به سکون اندرز می دهد. ببینید در همان روز عاشورا و غیرعاشورا چه اندرزها به مردم داده است. اصحابش چقدر اندرز داده اند؛ حنظلة بن اسعد الشبامی، زهیر بن قین و حبیب بن مظاهر چه اندرزها داده اند. وجود مبارك اباعبدالله از بدبختی آن مردم متأثر بود، نمی خواست حتی يك نفرشان به این حال بماند. به هر زبانی بود، می خواست يك نفر هم که شده از آنها کم شود. او نمونه جدش بود: «لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم» (توبه: ۱۲۸). «عزیز علیہ ما عنتم» چیست؛ یعنی بدبختی دشمنان پیغمبر بر پیغمبر گران بود. آنها خودشان که نمی فهمیدند. این بدبختی ها بر اباعبدالله گران بود. يك دفعه سوار شتر می شود و می رود و برمی گردد. عمامه پیغمبر را به سر می گذارد، لباس پیغمبر صلی الله علیه و آله را می پوشد، سوار اسب می شود و به سوی آنها می رود، بلکه بتواند از این گروه شقی کسی را کم کند. اینجا امام حسین علیه السلام یکپارچه محبت است که حتی دشمن خودش را هم دوست دارد.

## ۱۸. نتیجه گیری

امر به معروف و نهی از منکر برای جامعه سالم، بلکه فرد سالم امری ضروری است. این دو اصل مراتب مختلف دارد. هرچه مفسده بزرگ باشد نوعیت آن هم بزرگ می شود و قربانی های بزرگی هم نیاز دارد. مفسده زمان امام حسین علیه السلام آن قدر بزرگ بود که باعث شد امام علیه السلام چنین نهضت عظیمی راه بیندازند و قربانی های عظیم در راه آن بدهد تا دین جدش، رسول خدا صلی الله علیه و آله نجات یابد.

## فهرست منابع

- \* قرآن مجید (۱۳۹۲). الهی قمشه ای، مهدی. تهران: انتشارات سرمایه سخن.
- \* نهج البلاغه (۱۳۹۷). دشتی، محمد. قم: آثار فرهنگ برتر.
- \* مفاتیح الجنان (۱۳۹۵). مترجم: الهی قمشه ای، مهدی. قم: زائر آستان مقدس.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۷۱۱). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۵۳). اللہوف. تهران: جهان.
۳. آل بحر العلوم، محمد تقی (۱۴۲۷). مقتل الحسین. بیروت: دارالمرتضی.
۴. حرعاملی، محمد حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۵. صانعی، یوسف (۱۳۸۷). فقه و زندگی ۸۱ امر به معروف و نہی از منکر. قم: مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین.
۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). تفسیر مجمع البیان. بیروت: دارالمعرفه.
۷. کاندھلوی، محمد یوسف (۱۴۱۷). حیاة الصحابہ. بیروت: دارالکتاب العربی.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
۹. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶). بحار الانوار. بیروت: ناشر اسلامیہ.
۱۰. مدنی بجستانی، سید محمود (۱۳۷۶). امر به معروف و نہی از منکر دو فریضہ برتر در سیرہ معصومین علیہ السلام. قم: نشر معروف.
۱۱. مطہری، مرتضی (۱۴۳۸). حماسہ حسینی. تهران: انتشارات صدرا.
۱۲. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۸). ارشاد شیخ مفید. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.